

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)  
سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، پیاپی ۳۰

## سنجش شیعه گری ابن مسیب

مهدی تقی زاده<sup>۱</sup>

محمد خامه گر<sup>۲</sup>

جواد سلمان زاده<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

### چکیده

سعید ابن مسیب از تابعانی است که حضور چشمگیری در اسناد احادیث بویژه روایات اهل تسنن دارد. هویت دوگانه مذهبی او، بزرنگاه اختلاف بر پذیرش یا عدم پذیرش روایات او می باشد. از این رو، این نوشتار با تمرکز بر هویت شناسی مذهبی ابن مسیب، دلایل و شواهد دال بر مذهب او را گردآوری کرده است و با روش جرح و تعدیل رجالی بدین نتیجه رسیده است که او رسماً مذهب اهل

mt.tabari@gmail.com

khamegar@gmail.com

jsalmanzade10@gmail.com (نویسنده مسئول)

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران.

تسنن را پذیرفته است. اگر چه دشمنی ناصبی‌گونه‌ای با مذهب تشیع نداشته است و با ابراز محبت به دستگاه امامت، محبت وافر خود را بدین دستگاه و مذهب تشیع نشان داده است.

### واژه‌های کلیدی: سعید بن مسیب، مذهب سعید بن مسیب،

تشیع، شیعه‌گری سعید بن مسیب.

#### ۱. مقدمه

مطالعه شرح حال راویان احادیث نشان می‌دهد که برخی از راویان از هویت مذهبی دوگانه‌ای برخوردار هستند. بگونه‌ای که گاه نام آن‌ها در شمار سنیان دیده می‌شود و گاه در دسته شیعیان جای گرفته‌اند. این دوگانگی مذهبی جدای از مجهول گذاشتن هویت مذهبی آن‌ها، بر وضعیت رجالی آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد و گاه دو حال رجالی متفاوت از آن‌ها بدست می‌دهد. از این رو مطالعه و بررسی هویت مذهبی این دسته از راویان می‌تواند دو دستاورد علمی به دنبال داشته باشد. نخست این که پرده از دوگانگی هویت مذهبی آن‌ها بر می‌دارد و نمایی روشن از هویت مذهب آن‌ها ارائه می‌کند و این شفاف‌سازی مذهبی بر شفاف‌سازی وضعیت رجالی او نیز در درجه دوم تأثیر خواهد گذاشت.

سعید بن مسیب از جمله راویانی است که هم به جهت تابعی بودنش، هم به جهت درجه علمی اش و هم به جهت کثرتش در نقل روایات، از راویان بنام و تأثیرگذار در دانش رجال شمرده می‌شود. ولی هویت دوگانه مذهبی او و اختلاف نظر جدی بر مذہبش، موجی از اختلافات را در وثاقت یا ضعفش بوجود آورده است.

به نظر می‌رسد که رفع این دوگانگی را می‌توان در مطالعه تاریخ تشیع و بررسی زندگی نامه‌های شیعیان پیدا کرد. این مطالعات نشان می‌دهد که پیروان این مذهب همه در یک سطح از تشیع و شیعه‌گری نبوده‌اند. و این اختلاف طبقاتی در شیعه‌گری تا جایی بوده است که گاه برخی از اهل سنت در دسته‌ای از شیعیان حداقلی قرار می‌گرفته‌اند.

مطالعه اصطلاح شیعه در تاریخ شیعه نشان می دهد که این اصطلاح از اصطلاحات مشکک و ذو مراتبی است که تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است و درجات مختلفی برای آن مشخص شده است و این برخاسته از انعطاف مذهب شیعه و جذب حداکثری آن است. تعاریف ارائه شده از اصطلاح تشیع عبارتند از:

این اصطلاح در بالاترین مرتبه اش گاه به کسی اطلاق شده است که خلافت بلافصل امام علی علیه السلام را پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفته باشد. آنان که حضرت علی علیه السلام را پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله خلیفه شرعی می دانستند و عمل آنان را که در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند و ابوبکر را به خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله برگزیدند؛ نپذیرفتند. (خضری، ۱۳۸۵، صص ۶-۵) این دسته از شیعه به شیعه اعتقادی معروف هستند و این وصف نخستین بار در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله بخاطر پیروی از امام علی علیه السلام به آن ها اطلاق شد. (همان، ص ۶) اما شیعه در مرتبه ای پایین تر به کسانی گفته شده است که پس از ابوبکر و عمر، امام علی علیه السلام را بر عثمان ترجیح دادند. این دسته از شیعه به شیعه در مقابل عثمانیه معروف هستند. (همان) نمونه این مرتبه از شیعه را به می توان به محدث سنی «نسائی» اشاره کرد که امام علی علیه السلام را بر عثمان مقدم می شمرده است. بنابراین او شیعه امامی نبوده است. (تستری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۲۹) این افراد را می توان با کلیدواژه های «یقدم علیا علی عثمان» و «فیه تشیع قلیل» شناسایی کرد.<sup>۱</sup>

و این رتبه بندی ادامه دارد تا این که به مرتبه و درجه ای صرفاً قلبی و درونی می رسد که آن را به شیعه حب و دوستداری تعریف می کنند. این گروه را نیز شیعه می گفتند؛ در حالی که برخی از آنان هیچ گونه اعتقادی به عصمت و امامت اهل بیت علیهم السلام نداشتند. (محرمی، ۱۳۸۴، ص ۳۹) این مرتبه از شیعه به همه دوستداران علی علیه السلام و فرزندان او به عنوان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بر همه مسلمانان جز ناصبها اطلاق می شود. (طیسی، ۱۴۲۰، ص ۹)

۱. نمونه های بیشتر را ن.ک: (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۷، ص ۱۶۵؛ همان، ج ۵، صص ۲۰۷ و ۲۹۹؛ ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۴۲؛ عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۳۷)

در کتب رجالی و تاریخی، این مرتبه از شیعه، با تعبیر «شیعه حب و ولاء» نشان داده شده است که بیشتر در میان راویان اهل سنت دیده می‌شود.<sup>۱</sup> آنها با وجود پذیرش مذهب عامه، گرایش و تمایلی قلبی و درونی نسبت به دستگاه امامت و ولایت شیعه داشته‌اند و این گرایش نیز خود مراتبی داشته است که مرتبه بالای آن در کسانی چون ابن مسیب دیده شده است که گاه به رفتار و کردار آن‌ها کشیده شده است و آن‌ها را به دفاع از دستگاه ولایت و مخالفت با دستگاه مخالف ولایت و امامت واداشته است.

این نوشتار بر آن است که با استناد به اصل مشکک بودن تشیع و تفاوت درجه شیعه‌گری شیعیان و حتی برخی از اهل سنت، دیدگاه‌های مختلف درباره مذهب ابن مسیب را ارائه کند و با ارزیابی مستندات و شواهد هر دیدگاه به روش علمی، وضعیت مذهبی وی را تعیین نماید و عیار شیعه‌گری را اندازه‌گیری کند.

## ۲. معرفی سعید بن مسیب

سعید بن المسیب بن حزن بن اُبی وهب بن عمرو بن عائذ بن عمران ابن مخزوم القرشی المخزومی (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۴) (۹۳ بخاری، ج ۳، ص ۵۱۰/۹۴/۱۰۵) ابن حبان، ج ۴، ص ۲۷۵) - ۱۳ (زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۳، ص ۱۰۲/۱۵) (ترابی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۳/۱۷) (صفدی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۱۶۳) از بنامترین تابعان بوده است که در شأن و مقام علمی اش سخن‌ها رفته است.

## ۳. دیدگاه‌های مختلف درباره وضعیت مذهبی او

دانشوران رجال درباره وضعیت مذهبی ابن مسیب، دیدگاه‌هایی گوناگون ارائه کرده‌اند. بگونه‌ای که دانشوران اهل سنت و برخی از دانشوران شیعه بر سنی بودن و شیعه نبودن او تأکید کرده‌اند و برخی دیگر از دانشوران شیعه بر شیعه بودن او رأی داده‌اند. مستندات و شواهد هر یک از این دو دیدگاه عبارتند از:

۱ منصور بن معتمر نیز از این دسته از افراد شمرده شده است. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۴۰۷)

### ۳-۱. مستندات و شواهد سنی بودن

روشن ترین راه برای مذهب شناسی هر فردی، بررسی رفتارهای دینی اوست که نشان دهنده گرایش های قلبی و باورهای درونی او می باشد. و از آن جا که راویان احادیث، در دوره ای پیش می زیستند؛ راه شناسایی عقاید و باورهای آن ها، آثار و سخنانی است که از آن ها بجای مانده است. ابن مسیب از راویان پرروایتی است که در حوزه های گوناگون عقاید، احکام و اخلاق روایاتی را نقل کرده است.

تحلیل محتوای این روایات و فتاوی او می تواند مذهب وی را تعیین و شناسایی کند. برخی از فتاوی او بر پایه روایاتی که وی نقل کرده است؛ عبارتند از: مسح همه سر در وضو، (جمیل، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۵۷) مسح دو گوش در وضو، (همان، ص ۶۰) روایی مسح پا از روی کفش (همان، ص ۹۳) و جوراب (همان، ص ۹۸) در وضو.

توافق و همگامی این روایات با فتاوی مذاهب اهل سنت نشان دهنده سنی بودن وی در اعتقاد و عمل می باشد. چنانچه دانشوران رجالی اهل سنت بدون هیچ تردیدی بر سنی بودن او هم داستان بوده اند. و در اثبات برتری او گاه به دانشش نسبت به قضاوت سه خلیفه اول دست انداخته اند (مزی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۷۱) و گاه او را حافظ و راوی احکام و قضاوت های عمر بر شمرده اند. (همان، ص ۷۴)

با توجه به آن چه گذشت؛ سعید بن مسیب بطور رسمی بر مذهب عامه بوده است و بر احکام و دستورات این مذهب رفتار می کرده است. از همین رو علمای اهل سنت به روایات او اعتماد کرده اند و در اثبات وثاقتش او را چنین نمایانده اند: صالح، فقیه، ثقه، (مزی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۷۴) متقن، (عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۵)

برتری مرسلات نسبت به مرسلات حسن بصری دیگر تابعی نامدار، (همان، ص ۷۶) ثقه، افضل تابعان و اهل خیر، دارای طلایی ترین مرسلات، صحت مرسلات وی، حسن بودن مرسلات او، پرروایت ترین راوی از عمر و آگاه ترین فرد نسبت به روایات عمر بگونه ای که عبدالله بن عمر، سؤالات خود درباره دیدگاه های علمی عمر را از او می پرسیده است، (همان) آگاهترین فرد نسبت به مسندات ابی هریره، (ابن سعد، ج ۲، ص ۳۸۰) معتمد اول ابوهریره. (مزی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۷۴)

بنابراین اهل سنت سعید بن مسیب را فردی ثقة و قابل اعتماد می‌دانند تا جایی که روایت مرسل او را حسن یا صحیح می‌شمرند.

### ۲-۳. مستندات و شواهد شیعه بودن

با وجود مستندات و شواهد کافی بر سنیگری ابن مسیب، در منابع شیعه روایاتی گزارش شده است که از شیعه بودن ابن مسیب سخن می‌گویند و شیعه بودن او را اثبات می‌کنند. چنانچه برخی از دانشوران شیعه او را شیعه یا مایل به شیعه معرفی کرده‌اند. (سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۹۹) از این رو لازم است جهت رفع تعارض پیش آمده، مستندات و شواهد شیعه بودن ابن مسیب مطالعه و بررسی شود. این مستندات عبارتند از:

#### ۱-۲-۳. معتمد بودن او نزد امام سجاد (ع)

مستند این ادعا روایتی است که امام صادق (ع) در توصیف شیعیان دوره امام سجاد (ع) ارائه می‌کنند. این روایت چنین نقل شده است:

... قال: أبو عبد الله عليه السلام كان سعيد ابن المسيب والقاسم بن محمد بن أبي بكر وأبو خالد الكابلي من ثقات علي بن الحسين عليهما السلام.... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۷۲)

روایت مذکور از زبان امام صادق علیه السلام، سعید بن مسیب را از معتمدان امام سجاد علیه السلام معرفی می‌کند. عبارت «من ثقات» در این روایت از نوعی نزدیکی و حشر و نشر این روات با امام (ع) خبر می‌دهد. از این رو، از روایت یادشده، مرتبه‌ای از تشیع به معنای محبت به اهل بیت پیامبر (ص) نیز، به دلالت التزامی قابل برداشت است. چنانکه چندی از دانشوران رجالی شیعه در اثبات وثاقت سعید به همین روایت استناد کرده‌اند. (مامقانی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۳۳؛ وحید بهبهانی، ص ۱۸۸؛ تفرشی، ج ۴، ص ۴۳)

البته، برخی از دانشوران رجالی، راوی حدیث «ابراهیم بن حسن» را «مجهول» خوانده‌اند (جوهری، ص ۷؛ امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۴۹؛ رازی، ۱۳۷۲، ج ۵، صص ۱۲۷ - ۱۲۸) و

برخی از رجالیان معاصر - به همین دلیل - بر سند روایت خرده گرفته و آن را ضعیف شمرده اند. (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۱۴۰)

اما در دفاع از این روایت می توان گفت که مجهول خواندن یک راوی از سند روایت به معنای رد کامل روایت نیست. زیرا هر چند یک روایت ضعیف به عنوان دلیل، قابل استناد نیست؛ اما کنار هم قرار گرفتن چند روایت ضعیف، مفید اطمینان خواهد بود. و چنانکه خواهد آمد؛ روایات دال بر این مدعا در حد استفاضه هستند. افزون بر این که، حضور احادیث راوی در «کافی» و نقل بزرگی چون کلینی از وی خود شاهدی بر صحت حدیث می باشد و در حصول اطمینان مؤثر است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۷۲).

اما از این گذشته، خرده برخی دانشوران رجالی مبنی بر مجهول بودن یک راوی حدیث، به معنای عدم احراز وثاقت راوی می باشد و فسق راوی را ثابت نمی کند. توضیح این که، مجهول نزد متأخران، بدین معنا بکار رفته است که اگر چه روایات راوی در کتب حدیثی آمده است؛ اما اظهار نظری در باره وثاقت یا قدح او در کتب رجالی نیامده است. همچنین شایان گفتن است که سخت گیری و مذاقه سندی در مباحث غیر فقهی وجه چندانی ندارد؛ زیرا اساساً حجیت مصطلح در این گونه مباحث معنا ندارد.

### ۳-۲-۲. حضور نام او در میان اقلیت شیعه امام سجاد (ع)

این ادعا بر پایه روایتی ایستاده است که چنین نقل شده است:

قال الفضل بن شاذان: ولم یکن فی زمن علی بن الحسین علیه السلام فی أول أمره الا خمساً أنفس: سعید بن جبیر، سعید بن المسیب...، سعید بن المسیب ربه أمير المؤمنين علیه السلام، وکان حزن جد سعید أوصی أمير المؤمنين علیه السلام. (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۳۲)

در روایت مذکور، فضل بن شاذان یاران نامدار و برگزیده امام سجاد علیه السلام را در سال های نخست امامت ایشان بر شمرده است که سعید بن مسیب از جمله آن هاست. همچنین از بخش پایانی روایت بر می آید که ابن مسیب به سفارش جدش «حزن»، نزد امام علی علیه السلام تربیت شده است. بی گمان پرورش در دامن امام علی علیه السلام توفیقی

است که بر شخصیت سعید تأثیرگذار بوده است و ریشهٔ محبت نسبت به امام و معصوم را در نهاد او کاشته است. (مامقانی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۳۴)

بنابراین در این روایت دو مدح برای سعید ذکر شده است که عبارتند از: تشیع و توفیق پرورش نزد امام علی علیه السلام. این روایت اگر چه به جهت سندی مرسل است؛ ولی فضل بن شاذان از روات ثقهٔ شیعه (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۰۷؛ طوسی، ۱۴۱۷، صص ۱۹۷-۱۹۸) و از اصحاب خاص امام رضا، (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۰۷) امام جواد، (همان، ص ۳۰۶) امام هادی (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۹۰؛ سروی، ۱۴۲۵، ص ۱۲۵) و امام حسن عسکری علیهم السلام (سروی، ۱۴۲۵، ص ۱۲۵) می باشد. این روایت، احتمال شیعه‌گری و گرایش به شیعه را در ابن مسیب دو چندان می سازد.

### ۳-۲-۳. حضور نام او در میان حواریان امام سجاد (ع)

این ادعا به روایتی تکیه می کند که چنین نقل شده است:

... قال أبو الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام إذا كان يوم القيامة نادى مناد أين حوارى محمد بن عبد الله رسول الله الذين لم ينقضوا العهد ومضوا عليه؟ فيقوم ... ثم ينادى المنادى أين حوارى على بن الحسين عليه السلام؟ فيقوم جبير ابن مطعم ويحيى بن أم الطويل وأبو خالد الكابلي وسعيد بن المسيب. ثم ينادى المنادى ... فهؤلاء المتحورون أول السابقين وأول المقربين وأول المتحورين من التابعين. (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۳۹-۴۵)

روایت مذکور، یاران برگزیدهٔ پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام در روز قیامت را معرفی می کند و از سعید بن مسیب به عنوان حواری امام زین العابدین علیه السلام نام می برد و او را در دستهٔ سابقان و مقربان جای می دهد. این روایت با توجه به معنای اصطلاحی حواریون<sup>۱</sup> به دلالت مطابقی می رساند که این افراد جزو اصحاب خاص حضرت بوده اند و به دلالت التزامی، افزون بر وثاقت، مرتبهٔ بالایی از شیعه بودن سعید بن مسیب را گواه است. شایان گفتن است که این روایت از زبان راویان ثقه نقل شده است؛

۱. تعبیری قرآنی برای معرفی یاران نزدیک حضرت عیسی سلام الله علیه است. (ن.ک: حداد عادل، ۱۳۷۵، ج ۱۴،



(مامقانی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۳۳) جز این که «علی بن سلیمان بن داود رازی» از روایت مجهول است و وضعیت رجالی او در کتب رجالی نیامده است. (مازندرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۳۵؛ خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۱۵۰؛ نمازی، ۱۴۱۴، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۸۰؛ جواهری، ص ۳۹۸؛ ابطحی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۹۳؛ نراقی، ۱۴۲۲، ص ۱۸۶)

از این رو، برخی از دانشوران رجال در برابر این روایت موضع گرفته اند و با استناد به مجهول بودن رازی، آن را نپذیرفته اند. (خویی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۱۳۹) در حالی که راوی مذکور هیچ گونه ذم و جرحی بر او ننشسته است؛ جز این که میان اهل رجال ناشناخته مانده است. بنابراین با توجه به وثاقت دیگر راویان سند، مناقشه در سند این روایت، تهافتی روشن و تسامح در جرح ثقه است. (مامقانی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۳۳)

### ۳-۲-۴. تمجید امام سجاد (ع) از مقام علمی و فهمی او

این ادعا از روایتی برداشت می شود که چنین نقل شده است:

... عن أبي جعفر عليه السلام، قال: سمعت علي بن الحسين عليه السلام يقول: سعيد ابن المسيب أعلم الناس بما تقدمه من الآثار وأفهمهم في زمانه. (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۳۵؛ ابن سعد، ج ۲، صص ۳۸۱-۳۸۰)

این روایت از زبان امام محمد باقر علیه السلام به نقل از امام سجاد علیه السلام، سعید بن مسیب را داناترین فرد به اخبار و آثار پیشینیان و فهم ترین شخص در زمانه و روزگار خود توصیف می کند. و تمجید امام (ع) از مقام علمی و توان فهمی ابن مسیب، دست کم محبت او نسبت به مقام ائمه (ع) را نشان می دهد.

در این حدیث، گذشته از مقام علمی ابن مسیب به معنای فراوانی اطلاعات و آگاهی های علمی او که مورد اتفاق شیعه و اهل سنت است؛ فهم و درک درست وی از اطلاعات را نیز ثابت می کند. بی گمان او این مقام علمی را در سایه مرجع علمی خود امام سجاد علیه السلام باز یافته است که برای فهم مسائل و پرسش از موضوعات علمی، به حضور ایشان می رسیده است. (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷) و همین مراجعه علمی ابن مسیب به امام سجاد (ع)، بارقه ای از محبت و گرایش او به دستگاه امامت را نشان می دهد.

مطالعه مقام علمی ابن مسیب که برآمده از مراجعات علمی او به امام سجاد (ع) است؛ نشان می دهد که فریقین مقام علمی او را ستوده اند. بدین ترتیب که دانشوران شیعه مقام علمی او را چنین بازگو کرده اند: آگاهترین فرد به آثار پیشین و فهیم ترین مرد زمانه اش، (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۳۵) پر علم ترین تابعی، (خطیب تبریزی، ص ۱۹۷) تکیه بر کرسی فقاقت با وجود زنده بودن برخی از صحابه، (ابن سعد، ج ۲، ص ۳۷۹) مرجع پرسش های مسافران به مدینه، (همان، صص ۳۸۴-۳۸۱) آبشخور دیگر علمای مدینه، (همان، ص ۳۸۲) مشاور قضائی عمر بن عبد العزیز. (همان)

دانشوران اهل سنت در توصیف مقام علمی او سنگ تمام گذاشته اند و او را در قله علم و دانش نهاده اند. آن ها وی را چنین توصیف می کنند: مرجع فقه، (عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۵) آگاه ترین فرد به احکام الهی، (همان) عالم ترین فرد روی زمین در دوره خود، فقیه ترین تابعی، (همان) مرجع سؤالات تابعان نامداری چون حسن بصری، (همان، ص ۷۶) بی همتا در میان تابعان، آگاهترین فرد به احکام و فتاوی عمر، (همان) از ممتازان تابعان در عرصه فقه، دینداری، تقوا، علم، عبادت و فضل، (تمیمی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۲۷۴)

فقیه ترین مرد حجاز، زبده ترین فرد در تعبیر خواب، (همان) مرجع سؤالات فقهی استاد انس ابش عبدالله بن ثعلبه، هیچ بودن علم دیگران در برابر علم او، اعلم مدینه، (مزی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۷۰) فقیه فقه و واقف تابعان و آگاهترین فرد به شیوه قضات پیامبر صلی الله علیه و آله، ابوبکر، عمر و عثمان، (همان، ص ۷۱؛ ابن سعد، ج ۲، صص ۳۸۰-۳۷۹) عالم العلماء، (ابن سعد، ج ۲، ص ۳۷۹؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۲۴) مشاور حاکمانی چون عمر بن عبد العزیز در هر مسئله مهمی که حاکم بدان برخورد می کرد، (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۴، صص ۲۲۴-۲۲۵) تکیه بر کرسی فقاقت در زمان زندگی برخی صحابه، (خطیب تبریزی، ص ۱۹۷) پیشوای حدیث، (ابن سعد، ج ۲، ص ۳۸۰) صالح، معتمد (عجلی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۰۵) و پیشوا، (عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۶) اتفاق بر صحیح بودن مرسلاتش، (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۲۲) اتفاق بر روایات مرسلش به عنوان صحیحترین مرسلات، (عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۶۴) برتری مرسلات او بر مرسلات حسن بصری. (دوری، ج ۱، ص ۱۵۴)

با توجه به آن چه گذشت؛ سعید بن مسیب از بزرگترین و مقبولترین علمای مردمی و حکومتی زمانه خود بوده است و امام سجاد علیه السلام این شخصیت و جایگاه علمی را ستوده است که نشان از ارتباطات علمی ابن مسیب با دستگاه امامت و ولایت دارد. و این ارتباطات درجه ای از شیعه گری و محبت نسبت به خاندان اهل بیت (ع) را نشان می دهد. اما برخی از دانشوران رجال بر صحت سندی مستند فوق خرده گرفته اند و حضور افرادی چون قاسم بن محمد الاصفهانی، محمد بن عمر و ابو مروان را در سند حدیث مایه ضعف آن شمرده اند. (خویی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۱۴۰) از این رو لازم است که وضعیت رجالی این سه راوی مورد بررسی قرار بگیرد.

قاسم بن محمد اصفهانی: او به «کاسام» (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۳۶) یا «کاسولا» نامور است و دارای کتابی به نام «نوادر» بوده است. در وضعیت رجالی او آمده است که شخصیتی پسندیده نبوده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۱۵؛ حلی، ۱۴۱۴، ص ۲۵۶؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۸۹؛ حلی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۷؛ تفرشی، ج ۴، ص ۴۴) و بعضی او را مجهول خوانده اند؛ (کلباسی، ج ۳، ص ۲۲۳؛ جواهری، ص ۴۶۴) چنانکه علامه حلی و ابن داود نام وی را در بخش دوم کتابشان آورده اند.

اما برخی، روایات او را مختلف خوانده اند؛ بگونه ای که برخی از آن ها پسندیده و سالم و برخی ناسالم هستند. از این رو می توان از آن ها به عنوان شاهد بهره گرفت. (غضائری، ص ۸۶)

این تعبیر که می توان از آن ها به عنوان شاهد استفاده کرد؛ شبیه تعبیری است که علامه حلی در مورد رجالی بکار می برد که اگر چه ثقه نیستند؛ اما فضائل آن ها بر رذائلشان می چربد. (کلباسی، ج ۳، ص ۲۲۱) بنابراین از این تعبیر بر می آید که دانشوران رجالی در وثاقت یا جرح مطلق قاسم به یقین و اطمینان نرسیده اند. از این رو گاه با تعابیر سلبی وی را توصیف کرده اند؛ گاه او را مجهول خوانده اند و یا گاه روایاتش را تنها در جایگاه روایات شاهد معتبر خوانده اند. پس دست کم می توان درباره او گفت که فرد ضعیفی نبوده است و همه روایات او ضعیف قلمداد نمی شود. گذشته از این قرار گرفتن او

در طریق صدوق به سلیمان بن داود منقری نشانه‌ای است بر وثاقت و مقبولیت وی نزد شیخ صدوق. (ن.ک: صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۶۷)

از همین رو برخی از دانشوران رجال به قول شیخ صدوق توجه داشته‌اند و روایات او از منقری را صحیح شمرده‌اند. (وحید بهبهانی، ص ۲۸۴)

محمد بن عمر: این نام میان چندین راوی مؤثق، ضعیف و مجهول مشترک است. از این رو به نظر می‌رسد اتهام وی به ضعف ناشی از مهمل بودن او بوده است. پس چنانچه بتوان این راوی را با توجه به شواهد خارجی چون تاریخ تولد و وفات و راوی و مروی عنه تشخیص داد؛ امکان ارزیابی وضعیت رجالی او فراهم می‌شود.

در این روایت، محمد بن عمر با یک واسطه از امام محمد باقر علیه السلام روایت نقل می‌کند. بنابراین باید تولد او حدوداً در نیمه نخست قرن دوم هجری اتفاق افتاده باشد. با جستجو در میان راویان با نام «محمد بن عمر» و حذف گزینه‌هایی چون «محمد بن عمر جعابی»، (ن.ک: نمازی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۶) «محمد بن عمر بن فضل جعفی»، (ن.ک: امینی، ص ۲۷۵) «محمد بن عمر رازی»، (نمازی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۹۸) «محمد بن عمر بغدادی حافظ»، (همان، ج ۴، ص ۴۰۳) «محمد بن عمر بن مسلم»، (همان، ص ۴۷۵) «محمد بن عمر بن اسلم»، (همان، ج ۶، ص ۲۵۶) «محمد بن عمر بن یحیی علوی»، (همان، ج ۷، ص ۲۶۶) «محمد بن عمر بن مسعدة»، (خویی، ۱۴۱۳، ج ۲۳، ص ۳۶۳) «محمد بن عمر بن ولید»، (امینی، ص ۲۸۳)

به نظر می‌رسد که محمد بن عمر در این حدیث «محمد بن عمر واقدی» است که بین سال‌های ۱۳۰-۲۰۷ ق می‌زیسته است (زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۶، ص ۳۱۱) و امکان نقل روایت از امام محمد باقر علیه السلام را با یک واسطه داشته است. چنانکه برخی از کتب انساب، روایت مذکور را با همین سند نقل کرده‌اند و در سند به «واقدی» تصریح کرده‌اند (بلاذری، ج ۱۰، ص ۲۴۰) که مراد «محمد بن عمر واقدی» است. با مشخص شدن راوی می‌توان وضعیت رجالی او را بدست آورد. وی «محمد بن عمر بن واقد واقدی اسلمی» است که از نامداران زمانه خویش بوده است. (عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۳۲۳)

او فردی شیعه و از مذهب نکویی برخوردار بوده است و حضرت علی علیه السلام را از معجزات پیامبر می شمرد. (ابن ندیم، ص ۱۱۱) دانشوران رجال اهل سنت درباره او شدیداً اختلاف نظر دارند. بگونه ای که برخی او را ثقه می دانند و گروهی وی را کذاب و ضعیف می شمارند. (عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۹، صص ۳۲۳ - ۳۲۶)

اما آن چه صحت روایت مذکور را تأیید می کند؛ آن است که روایت مذکور از دسته روایت هایی است که انگیزه جعل و تدلیس در آن ها به جهت شخص مطرح شده در روایت کم است. زیرا جعل روایات فضایل و مناقب بیشتر در مورد افراد حکومتی و درباری انجام می گرفته است؛ در حالی که سعید بن مسیب از مخالفان حکومت روزگار خویش بوده است. همچنین وجود دیگر روایات شاهد و متابع، جعلی بودن آن را از دایره امکان بیرون می افکند.

أبو مروان: أبو مروان کنیه «عمرو بن عبید بصری» از اصحاب امام صادق علیه السلام است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۵۰) که برخی با نام «عمر بن عبد العزیز بصری» از او یاد کرده اند. (اردبیلی، ج ۲، ص ۴۱۶) وی از پیروان ابوالحسن بصری بوده است. او فرد زاهدی بوده است که پدرش را که پاسبان بوده است؛ بدترین مرد و پدر بهترین مرد می شمردند. (قمی، ج ۱، صص ۱۵۵ - ۱۵۶) از امام موسی کاظم علیه السلام روایتی درباره او صادر شده است<sup>۱</sup> که برخی شیعی بودن عمرو را از آن برداشت کرده اند. ولی از دیگر اخبار و روایات مربوط به او بر می آید که وی بر مذهب اهل سنت بوده است. (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، صص ۱۲۴-۱۲۳) چنانکه برخی از دانشوران معاصر رجال وی را معتزله خوانده اند و مقام علمی و عبادی او را ستوده اند. (شبستری، ج ۲، صص ۴۹۷ - ۴۹۸)

همانگونه که گذشت؛ عمرو بن عبید نه تنها فرد ضعیفی نبوده است؛ بلکه می توان او را به جهت مقام علمی و شأن عبادی اش صادق و قابل اعتماد شمرد. چنانکه او را در مقایسه با پدرش به بهترین مرد توصیف کرده اند.

با توجه به آنچه گذشت؛ سه راوی مذکور نه تنها افراد ضعیف و متهمی هستند که همه روایاتشان متروک باشد. بلکه گاه افرادی قابل اطمینان بوده و می توان به روایات آنها

۱. ن.ک: (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، صص ۲۸۵ - ۲۸۷)

اعتماد کرد. گذشته از این که روایت مذکور در فضیلت راوی سنی است که جعل آن توسط روات شیعی چون «کاسام» و «واقدی» دور می نماید.

### ۳-۲-۵. صحابه نزدیک امام سجاد (ع)

ادعای صحابگی و یار ویژه ابن مسیب برای امام سجاد (ع) در روایتی تاریخی چنین نقل شده است:

سأل لیث الخزاعی سعید بن المسیب عن انهاب المدینه، قال: نعم شدوا الخیل إلی أساطین مسجد رسول الله ورأیت الخیل حول القبر وانتهب المدینه ثلاثا فکنت أنا وعلی بن الحسین نأتی قبر الحنبی فیتکلم علی بن الحسین بکلام لم أقف علیه فیحال ما بیننا و بین القوم ونصلی ونری القوم وهم لا یروننا ... (سروری، ۱۳۷۶، ج ۳، صص ۲۸۴ - ۲۸۵)

در روایت مذکور، سعید بن مسیب ماجرای غارت و چپاول مدینه را گزارش می کند که در آن وضعیت وی به همراه حضرت سجاد علیه السلام به حرم پیامبر می آمدند؛ در حالی که مردم آن ها را نمی دیدند. در این روایت، ابن مسیب به عنوان یکی از یاران نزدیک حضرت معرفی شده است که از کرامات حضرت آگاه و گاه بهره مند بوده است. بنابراین، از این روایت بر می آید که ابن مسیب از شیعیان معتمد حضرت بوده است تا جایی که از اسرار و کرامات ایشان آگاه و بهره مند می شده است. چنانکه این روایت، مستند ارتباط و دوستی فراوان او با امام سجاد علیه السلام قرار گرفته است. (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۳۰)

### ۳-۲-۶. شیعه بودن او

برخی روایات شیعه ناظر به شیعیان و صحابه خاص ائمه (ع) صادر شده اند. در میان این روایات، روایتی رسیده است که ابن مسیب را در کنار فردی دیگر بر مذهب شیعه خوانده است. این روایت چنین نقل شده است:

... و ذکر عند الرضا علیه السلام القاسم بن محمد خال أیه، وسعید بن المسیب فقال:

کانا علی هذا الامر. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۱۱۷؛ حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۵۸)

امام رضا علیه السلام سعید بن مسیب را پایبند به مذهب شیعه معرفی کرده اند. این روایت به صراحت تشیع ابن مسیب را نشان می دهد.

### ۳-۲-۷. موضع گیری در برابر توطئه های مخالفان شیعه

از روشن ترین قرائن جهت اثبات شیعه گری، موضع گیری در برابر مخالفان و دشمنان شیعه می باشد. زیرا با وجود اقلیت شیعه در طول تاریخ اسلام، موضع گیری در برابر مخالفان آن هزینه های زیادی را به دنبال داشته است.

ابن مسیب از جمله شیعیانی بوده است که گاه در برابر دشمنان شیعه و ائمه شیعه (ع) به مخالفت بر می خواسته است. روایت زیر موضع گیری ابن مسیب در برابر حکومت بنی امیه را چنین گزارش می کند:

... قال: کان دعی لبنی أمیة، یقال له خالد بن عبد الله، لا یزال یشتم علیا علیه السلام، فلما کان یوم جمعة وهو یخطب الناس قال: والله إن کان رسول الله لیستعمله وإنه لیعلم ما هو، ولکنه کان ختنه، وقد نعس سعید بن المسیب، ففتح عینیه ثم قال: ویحکم ما قال هذا الخبیث؟ رأیت القبر انصدع ورسول الله صلی الله علیه وآله یقول: کذبت یا عدو الله؟. (جاحظ، ص ۲۸۴)

این روایت ماجرای سم پاشی بنی امیه علیه امام علی علیه السلام را گزارش می کند. در این ماجرا مزدور بنی امیه، امام علی علیه السلام را دشنام می دهد و به عنوان سخنان نماز جمعه می گوید: پیامبر صلی الله علیه وآله بر آن نبود که علی را به عنوان جانشین بخود بگمارد؛ زیرا او را می شناخت. ولی او داماد پیامبر بود. سخنان در حال ایراد چنین سخنانی بود که سعید بن مسیب تلنگوری خورد و چشمانش را باز کرد و گفت: وای بر شما! این مرد پلید چه می گوید؟! من قبر پیامبر صلی الله علیه وآله را دیدم که شکافته شد و پیامبر فرمودند: ای دشمن خدا دروغ می گویی.

در این روایت، سعید بن مسیب در میان خطبه های نماز جمعه در برابر توطئه بنی امیه علیه شیعه موضع می گیرد و با دفاع از مقام ولایت حضرت علی علیه السلام، دروغگویی

بنی امیه را به مردم اعلام می‌کند که محبت او نسبت به امام علی علیه السلام و دستگاه امامت شیعه را نشان می‌دهد.

از دیگر قرائن بر ادعای مذکور، گرفتن موضع مخالف او در برابر حکومت یزید است. بگونه‌ای که او دوره حکومت یزید را روزگاری شوم توصیف می‌کند که در سال نخست امام حسین علیه السلام و خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله به شهادت رسیدند. در سال دوم به حرم پیامبر هتک حرمت شد. و در سال سوم در حرم امن الهی خونریزی اتفاق افتاد و خانه کعبه آتش زده شد. (یعقوبی، ج ۲، ص ۲۵۳) گفتنی است که عدم بیعت او با یزید ماجرای شده بود که می‌توانست مرگ سعید را رقم بزند. (تستری، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۲۷) عدم بیعت او با یزید و اشاره به رسوایی یزید در شهادت امام حسین علیه السلام شاهد روشنی بر تشیع ابن مسیب است.

این مخالفت‌های سعید با حکومت‌های غاصب تا جایی بود که در دوره حکومت بنی امیه قصد جان وی شده بود؛ ولی وی با دعا به درگاه پروردگار از آن جان سالم بدر برد. (ن.ک: طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۳۳۲-۳۳۳) او بخاطر بیعت نکردن با ولید و سلیمان از خلفای مروانی، هشتاد ضربه شلاق خورد و به زندان افتاد. (عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۷) و مخالفت و بی احترامی او به حکومت مروانیان (طبری، ۱۸۷۹، ج ۵، صص ۲۴۳-۲۴۴؛ ذهبی، ج ۱، ص ۵۵؛ بردی، ج ۱، ص ۲۲۳) باعث جاری شدن شصت ضربه شلاق از هشام فرماندار مدینه بر او شد. (یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۰) موضع‌گیری مخالف سعید با حاکمان ناشایست بنی امیه و مروانی نشان بر همراهی او با ائمه علیهم السلام در برابر حاکمان بنی امیه و بنی مروان است که دل‌بستگی او به دستگاه امامت را نشان می‌دهد.

### ۳-۲-۸. روایات وی در فضیلت امام علی (ع) و امام سجاد (ع)

از پیداترین نشانه‌های محبان اهل بیت علیهم السلام، روایات گری فضل ائمه و مقام امامت آن هاست. ابن مسیب نیز روایات گوناگونی از فضائل ائمه علیهم السلام را گزارش کرده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:



امام علی علیه السلام نخستین مؤمن به پیامبر صلی الله علیه و آله، (کلینی، ج ۸، صص ۳۳۸ - ۳۴۱) مقام والای حضرت علی علیه السلام در جنگ احد، (سروی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۰، ص ۸۷ و ۹۳؛ ج ۲۳، ص ۱۲۴) حرمت عترت پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خداوند متعال، (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۱۸۵ - ۱۸۶) تفرقه و پراکندگی مخالفان با اهل بیت علیهم السلام، (همان، صص ۲۰۴ - ۲۰۵) فرمانبرداری زمین از حضرت علی علیه السلام، (همان، ج ۲۵، صص ۳۷۹ - ۳۸۰) وصایت امام علی علیه السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله، (همان، ج ۲۷، ص ۲) بهره و کینفر حب و بغض امام علی علیه السلام، (همان، ص ۸۹) بیان حقانیت حادثه کربلا و انکار حقانیت حکومت یزید، (همان، ج ۳۰، صص ۲۸۷ - ۲۹۰) بیان فضائل انحصاری حضرت علی علیه السلام، (همان، ج ۳۲، ص ۳۵۰؛ ج ۳۵، ص ۳۹۹) حقانیت جانشینی حضرت علی علیه السلام و یازده امام بعدی پس از پیامبر، (همان، ج ۳۶، صص ۲۲۶ و ۲۹۲ - ۲۹۴ و ۳۱۷)

حدیث منزلت، (همان، ص ۳۳۱) حدیث طیر مشوی، (انصاری، ج ۲، ص ۵۶) حدیث حب و بغض اهل بیت علیهم السلام، (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، صص ۸۴ - ۸۵) روایت محبوبیت شدید امام علی علیه السلام نزد پیامبر، حدیث ارجاع به امام علی علیه السلام در مواقع اختلاف و تفرقه به عنوان امام امت و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله، (ن.ک: صدوق، ۱۴۱۷، ص ۷۸) حدیث وزارت امام علی علیه السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله، (ن.ک: قمی، ۱۴۰۷، صص ۱۴۴ - ۱۴۵) حدیث یکتاپرستی امام علی علیه السلام از اول خلقتش، (ن.ک: عکبری، ۱۴۱۴، صص ۲۳۵ - ۲۳۶)

حدیث امام علی علیه السلام هادی امت اسلام، (ن.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۸۱) روایت آتش زدن درب خانه امام علیه السلام به دستور و اجرای دستگاه خلافت (قمی، ۱۴۰۷، صص ۱۵۸ - ۱۵۹) و نقل روایت گرفتاری انسان به مرگ جاهلیت در صورت داشتن بغض امام علی علیه السلام. (صدوق، ج ۱، ص ۱۴۴؛ نمازی، ۱۴۱۴، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۶۲) از این رو برخی در اثبات شیعه بودن او بدین روایات استناد کرده اند. (نمازی، ۱۴۱۴، ج ۴، صص ۸۱-۸۲)

#### ۴. تجزیه و تحلیل

همانگونه که گذشت؛ مستندات و شواهد موجود بر دو حکم مخالف و متعارض سنی و شیعه دلالت دارند که ظاهراً با یکدیگر قابل جمع نیستند. از این رو یا باید یک دسته از مستندات را کنار بگذاریم و دسته دیگر را مبنای سنجش و ارزیابی مذهب ابن مسیب قرار دهیم.

اما با وجود صحت و کثرت مستندات و شواهد دال بر عامی بودن ابن مسیب، عامی بودن وی حکمی پذیرفته و غیر قابل تغییر است. و صحت و کثرت مستندات و شواهد نص و ظاهر دال بر شیعه بودن ابن مسیب نیز قابل چشمپوشی نمی باشد. از این رو به نظر می رسد مراد از روایات رسیده در تشیع ابن مسیب، مرتبه و درجه خاصی از تشیع است که با عامی بودن وی قابل جمع است.

همانگونه که گذشت؛ اصطلاح شیعه از اصطلاحات مشکک و ذو مراتبی است که تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است و درجات مختلفی برای آن مشخص شده است و این برخاسته از انعطاف مذهب شیعه و جذب حداکثری آن است.

تطبیق وضعیت ابن مسیب بر طبقات و درجات تشیع نشان می دهد که ابن مسیب از دسته سنیانی است که با وجود پذیرش مذهب عامه، گرایش و تمایلی قلبی و درونی نسبت به دستگاه امامت و ولایت شیعه داشته است و این گرایش نیز خود مراتبی داشته است که مرتبه بالای آن در کسانی چون ابن مسیب دیده شده است که گاه به رفتار و کردار آن ها کشیده شده است و آن ها را به دفاع از دستگاه ولایت و مخالفت با دستگاه مخالف ولایت و امامت واداشته است.

این درجه بالای انعطاف و تحمل افراد گوناگون در مذهب شیعه برخاسته از حقانیت و اقتدار این مذهب است که با تکیه بر جناح مقتدر حق اندیشه ها، سلیقه ها، باورها، گرایش ها و رفتارهای گوناگون را در بالاترین حد امکان و در چارچوب اصول و قواعد پذیرفته است و بهترین رفتار را با افراد گوناگون در افق جذب حداکثری از خود ارائه داده است.

نمونه این شاخص مذهب شیعه را می توان در سیره رفتاری اهل بیت علیهم السلام دید که با شاگردان دیگر مذاهب رفتاری نکو داشته اند (ن.ک: صدوق، ۱۴۱۷، ص ۲۳۴) و فرصت استفاده از محضر پرنورشان را به آن ها می دادند. چنانچه پیشوای دو فرقه اهل سنت از شاگردان امام صادق علیه السلام بودند.

### نتیجه گیری

مطالعه مستندات و شواهد دیدگاه های مختلف درباره وضعیت مذهبی ابن مسیب نشان می دهد که پایبندی ابن مسیب بر مذهب تسنن، گزاره ای قطعی و حتمی است. ولی فزونی و صحت قرائن و شواهد دال بر شیعه بودن او، از نوعی گرایش و تمایلات قلبی او نسبت به دستگاه امامت و ولایت خبر می دهد که باعث شده است در برابر ائمه علیهم السلام حرمت و احترام نگهدارد و گاه با مخالفان آن ها به ستیز درگیر شود.

برخی از این شواهد و قرائن عبارتند از: معتمد بودن او نزد امام سجاد (ع)، حضور نام او در میان حواریان و اقلیت شیعه امام سجاد (ع)، تمجید امام سجاد (ع) از مقام علمی و فهمی او، شیعه بودن او، موضع گیری او در برابر توطئه های مخالفان و دشمنان شیعه و ائمه شیعه (ع)، روایات وی در فضل حضرت علی علیه السلام و حقانیت دیگر ائمه علیهم السلام بویژه امام سجاد علیه السلام.

### منابع

- قرآن کریم.
- ابطحی، محمد علی (۱۴۱۲ ق)، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب رجال النجاشی، قم: سید الشهداء.
- ابن سعد، محمد (بی تا)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
- اردبیلی، محمد علی (بی تا)، جامع الرواة، بی جا: مکتبه المحمدی.
- امین، سید محسن (۱۹۸۳ م)، أعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، بیروت: دارالتعارف.
- امینی، عبدالحسین (بی تا)، الوضاعون واحادیثهم، بی جا: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.

- انصاری، محمد(بی تا)، **معجم الرجال والحديث**، تحقیق محمد حیاة انصاری، بی جا: بی نا.
- بخاری، محمد(بی تا)، **التاریخ الكبير**، ترکیه: المكتبة الإسلامية.
- بردی اتابکی، یوسف(بی تا)، **النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة**، قاهره: وزارة الثقافة والارشاد القومي.
- ابن ندیم بغدادی، محمد بن اسحاق(بی تا)، **الفهرست**، تحقیق رضا تجدد، بی جا: بی نا.
- بلاذری، احمد(بی تا)، **أنساب الأشراف**، تحقیق سهیل زکار - ریاض زرکلی، بیروت: دار الفكر.
- تراپی، احمد (۱۳۷۳ ش)، **امام سجاد علیه السلام جمال نیاشگران**، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- تستری، محمد تقی (۱۴۱۷ق)، **قاموس الرجال**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- تفرشی، سید مصطفی (بی تا)، **نقد الرجال**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- تمیمی بستی ابن حبان، محمد(۱۳۹۳ق)، **الثقات**، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
- جاحظ، عمرو (بی تا)، **العثمانية**، تحقیق و شرح عبد السلام محمد هارون، مصر: دار الكتاب العربي.
- جمعی از مؤلفان زیر نظر احمد رضا خضری (۱۳۸۵ ش)، **تاریخ تشیع**، تهران: سمت؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جمیل عبدالله، هاشم (۱۳۹۴ق)، **فقه الامام سعید بن المسیب**، بغداد: مطبعة الارشاد.
- جواهری، محمد (بی تا)، **المفید من معجم رجال الحديث**، قم، مکتبه المحلاتی.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۵ش)، **دانشنامه جهان اسلام**، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- حر عاملی، محمد (۱۴۱۴ق)، **وسائل الشیعة لتفصیل مسائل الشریعة**، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- حلّی، حسن (۱۴۱۱ق)، **إيضاح الاشتباه**، تحقیق محمد الحسون، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۷ق)، **خلاصة الأقوال**، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلّی ابن داود، حسن (۱۳۹۲ق)، **رجال ابن داود**، تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف - قم: حیدریه - رضی.

- حمیری قمی، عبدالله (۱۴۱۳ق)، **قرب الاسناد**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- خطیب تبریزی، محمد (بی تا)، **الإكمال فی أسماء الرجال**، تعلیق محمد عبد الله انصاری، قم: مؤسسه أهل البيت عليهم السلام.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۹۹۲م)، **معجم رجال الحدیث**، بی جا: بی نا.
- دوری ابن معین، یحیی (بی تا)، **تاریخ ابن معین**، تحقیق عبدالله احمد حسن، بیروت: دار القلم.
- ذهبی، محمد (بی تا)، **تذکره الحفاظ**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، تصحیح وزارة معارف الحكومة العالیة الهندیة، هند: بی نا.
- ذهبی، محمد (۱۴۱۳ق)، **سیر أعلام النبلاء**، تحقیق مأمون الصاغر جی، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- رازی، ابن ابی حاتم (۱۳۷۲ق)، **الجرح والتعديل**، حیدرآباد - بیروت: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیة - دار احياء التراث العربی.
- زرکلی، خیر الدین (۱۹۸۰م)، **الأعلام**، بیروت: دار العلم للملایین.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ق)، **موسوعة طبقات الفقهاء**، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
- سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، محمد (بی تا)، **معالم العلماء**، بی جا: بی نا.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۶ش)، **مناقب آل أبي طالب**، تحقیق و تصحیح لجنة من أساتذة النجف الأشرف، نجف: المكتبة الحیدریة.
- شبستری، عبدالحسین (بی تا)، **الفائق فی رواة وأصحاب الإمام الصادق (ع)**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صدوق ابن بابویه، محمد (۱۴۱۷ق)، **الأمالی**، قم: مؤسسه البعثة.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵ق)، **علل الشرائع**، نجف: مكتبة الحیدریة.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۴ق)، **من لا يحضره الفقيه**، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صفدی، (۱۴۲۰ق)، **الوافی بالوفیات**، تحقیق احمد ارناؤوط - ترکی مصطفی، بیروت: دار احياء التراث العربی.
- طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۸۸ش)، **تاریخ حدیث شیعه؛ عصر حضور**، تهران: سمت.

- طبری، محمد (۱۸۷۹ م)، **تاریخ الطبری**، تصحیح نخبة من العلماء الأجلاء، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- طبسی، محمد جعفر (۱۴۲۰ ق)، **رجال الشيعة في اسانيد السنة**، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- طبسی، نجم الدین (بی تا)، **النفی والتغریب**، قم: مؤسسة الهادی.
- طوسی، محمد (۱۴۰۴ ق)، **اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)**، تصحیح و تعلیق میر داماد استرآبادی، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۵ ق)، **الابواب (رجال الطوسی)**، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۷ ق)، **الفهرست**، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- عجلی، احمد (۱۴۰۵ ق)، **معرفة الثقات**، مدینه: مکتبه الدار.
- عسقلانی، احمد (۱۴۱۵ ق)، **تقریب التهذیب**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۴ ق)، **تهذیب التهذیب**، بیروت: دار الفکر.
- عکبری بغدادی، محمد بن نعمان (۱۹۹۳ م)، **الامالی**، تحقیق حسین استادولی - علی اکبر غفاری، بیروت: دارالمفید.
- غضائری، احمد (۱۴۲۲ ق)، **رجال ابن الغضائری**، تحقیق سید محمد رضا جلالی، قم: دار الحديث.
- فیض کاشانی، محمد (۱۴۰۶ ق)، **الوافی**، تحقیق و تصحیح و تعلیق ضیاء الدین حسینی اصفهانی، اصفهان: مکتبه الامام أمير المؤمنين علی (ع).
- قمی، ابو الحسن محمد بن احمد (۱۴۰۷ ق)، **مائة منقبة من مناقب امیر المؤمنین و الائمه من ولده عليهم السلام من طریق العامة**، تحقیق مدرسه الامام المهدي زیر نظر محمدباقر موحد ابطحي، قم: مدرسه الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف.
- کرباسی خراسانی، محمد جعفر (۱۴۲۵ ق)، **اکلیل المنهج فی تحقیق المطلب**، تحقیق سید جعفر حسینی اشکوری، قم: دارالحدیث.
- کلینی، محمد (۱۳۶۵ ش)، **الکافی**، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية.

- مازندرانی، محمد(۱۴۱۶ ق)، **منتهی المقال فی احوال الرجال**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- مامقانی، عبدالله(۱۳۵۰ ق)، **تنقیح المقال فی علم الرجال**، نجف: دار المرتضویه.
- مجلسی، محمد باقر(۱۴۰۳ ق)، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محرمی، غلامحسن(۱۳۸۴ ش)، **تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.
- مزنی، یوسف(۱۴۰۸ ق)، **تهذیب الکمال**، تحقیق و تعلیق بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسه الرساله.
- معرفت، محمد هادی(۱۴۱۸ ق)، **التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب**، مشهد: دانشگاه رضوی.
- نجاشی، احمد(۱۴۱۶ ق)، **فهرست اسماء مصنفی الشیعه (رجال النجاشی)**، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- نراقی، میرزا ابوالقاسم(۱۴۲۲ ق)، **شعب المقال فی درجات الرجال**، تحقیق محسن احمدی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- نمازی شاهرودی، علی(۱۴۱۴ ق)، **مستدرکات علم رجال الحدیث**، تهران: حیدری.
- وحید بهبهانی، محمد باقر(بی تا)، **تعلیقہ علی منهج المقال**، بی جا: بی نا.
- یعقوبی، احمد(بی تا)، **تاریخ یعقوبی**، قم: مؤسسه نشر فرهنگ أهل بیت (ع).